

تاکاشی موری\*  
ترجمه: محمدرضا توکل‌نیا\*\*

# اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی

چکیده:

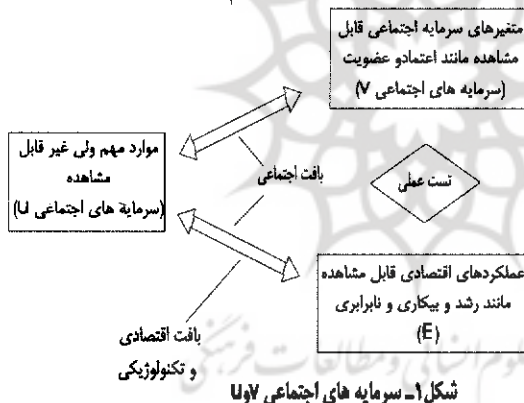
امروزه سرمایه‌های اجتماعی یکی از عوامل موثر در توسعه محسوب می‌شود به نحوی که در تحقیقات کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته اهمیت خاصی یافته است. این مقاله به بررسی وضعیت سرمایه‌های اجتماعی پرداخته و کانالهایی که از طریق آنها، سرمایه‌های اجتماعی بر عملکرد اقتصادی یک جامعه اثر می‌گذارد را شناسایی می‌کند و در نهایت مهم‌ترین کانالهای اثرگذاری را معرفی می‌کند.

\* Takashy Omory عضو مرکز تحقیقات اقتصادی و اجتماعی ژاپن  
\*\* دانش‌آموخته دکترای معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام - ورودی ۷۵

مقدمه

از زمان انتشار شاهکار پوتنام (Putnam-۱۹۹۳)، سرمایه اجتماعی (Social Capital) نه تنها در زمینه توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه قرار گرفته شد. البته اهمیت عوامل اجتماعی از زمانهای بسیار دور مورد بحث بوده است، به نحوی که در قدیم الایام سرمایه های اجتماعی مانند نظم، اعتماد و غیره از اصول ارزشمند جامعه به حساب می آمده اند. برای مثال در قرن هفتم میلادی، زمانی که نخستین قیمت‌های ایجاد شده، سنگ بنای اولین نهادهای اقتصادی را می‌نهاد، یکی از اصول ۱۷ گانه موجود در نظام اجتماعی - اقتصادی ژاپن این چنین بود که: هماهنگی بالاترین در دستکاری است.

متغیرهایی مانند اعتماد و اطمینان (Trust) و عضویت (Membership) در نظر می‌گیرند و دیگری مواردی که غیر قابل مشاهده ولی در عین حال بسیار مهم هستند که پس از تعامل با بافتهای اجتماعی موجود در جامعه، تبلور یافته و بر سرمایه های اجتماعی گروه اول تأثیر می‌گذارند. ما برای تفاوت گذاشتن بین این دو، گروه اول را سرمایه های اجتماعی V و گروه دوم را سرمایه های اجتماعی U می‌نامیم. طبق تعریف، مطالعات کاربردی در مورد مفهوم اقتصادی سرمایه های اجتماعی، به تحلیل رابطه بین سرمایه های اجتماعی V و متغیرهای اقتصادی مرتبط که ما آنها را E می‌نامیم، می‌پردازد. در بحث سرمایه های اجتماعی مهم است که بدانیم هدف ما بررسی رابطه U و E یا رابطه V و E است که در این مقاله ما در صدد بررسی نحوه اثر گذاری گروه U بر E هستیم.



هدف این مقاله معرفی و توضیح کانالهایی است که از طریق آنها سرمایه های اجتماعی بر نحوه عملکرد عوامل اقتصادی اثر می‌گذارد. سپس به بررسی این نکته که کانالهای بیان شده تا چه حد در معرض تحلیلهای اقتصادی قرار گرفته اند پرداخته می‌شود. در نهایت نیز از بین آنها، مهم ترین کانالهای تأثیر گذاری و آنهایی که به عنوان چالشهای جدیدی برای اقتصاد مطرح شده اند، معرفی می‌شود.

در این مقاله به دو دلیل در مورد تعریف سرمایه اجتماعی صحبت نمی‌کنیم، نخست اینکه در این مورد فراوان صحبت شده و دوم به خاطر هدف اصلی مقاله، که می‌خواهد تمام جنبه هایی که از نقطه نظر اقتصادی با مبحث سرمایه اجتماعی مرتبط است را بررسی کند. با این وجود بازگو شدن تعریف OECD در مورد سرمایه اجتماعی مشرثر خواهد بود.

سرمایه اجتماعی شبیهی که ای در هم تنیده از هنجارها، ارزشها و ادراکهای مشترک افراد جامعه است که همکاری و تعامل بین آنها را تسهیل می‌کند.

در بحث پیرامون سرمایه اجتماعی، ضروری است که بین دو مفهوم، تفکیک صورت بگیرد؛ یکی مواردی که سرمایه اجتماعی را به صورت

به منظور تفاوت گذاشتن بین عوامل آشکار (Formal Factor) و عوامل پنهان، من اهمیت بیشتر را به عوامل پنهان دادیم؛ زیرا عوامل آشکار مانند سیستم قانونی به وضوح دارای دلالت و مفهوم اقتصادی هستند و بر این اساس همواره در تیررس تحلیلهای اقتصادی قرار دارند. البته این مطلب به آن معنا نیست که در بررسی اقتصادی عوامل اجتماعی پنهان، بتوانیم نقش عوامل آشکار را نادیده بگیریم. در واقع می‌توان گفت عوامل پنهان، عوامل آشکاری هستند که هنوز به صورت رسمی و قانونی تدوین نشده و در نتیجه به شدت تحت تأثیر عوامل آشکار قرار دارند.

زمانی که نخستین قیمت‌های ایجاد شده، سنگ بنای اولین نهادهای اقتصادی را می‌نهاد، یکی از اصول ۱۷ گانه موجود در نظام اجتماعی - اقتصادی ژاپن این چنین بود که: هماهنگی بالاترین در دستکاری است.

## کانالهای امکان پذیر برای اقتصاد (تحلیل کلی)

از آن جایی که در مورد نحوه و میزان اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر عملکرد اقتصادی، تحلیل‌های فراوانی صورت گرفته است، آنها را تکرار نکرده و تنها به برخی نکات مهم آن اشاره می‌کنیم.

به طور کلی باید گفت که تحلیل رگرسیونی نمی‌تواند به درستی رابطه علت و معلولی مطلوب ما را نشان دهد. برای رویارویی با این ناتوانی دو روش پیشنهاد شده است. نخست روش تجربه محور (Experimental) و دوم تست علیت گرانجر (Granger).

متأسفانه استفاده از هر دوی این روشها برای سرمایه های اجتماعی مشکل است. در واقع تعاملات و ارتباطات چند جانبه افراد در یک جامعه واقعی به حدی گسترده و متنوع است که نمی‌توان آنها را در سایه روش تجربه محور جمع بندی و بررسی کرد و همچنین اندازه گیری سرمایه های اجتماعی چه در مورد میزان صحت و دقت عملکرد آنها و چه در مورد زمان تکرار و فراوانی آنها، غیرشفاف بوده و از دقت لازم برخوردار نیست. در نتیجه اکثر تلاشهای تجربی صورت گرفته در حد یک تحلیل رگرسیونی متداول بوده که آنها هم به علت ناتوانی بیان شده، میدان را برای مطرح شدن بحثهای متقابل و متناقض باز گذاشته اند.

سرمایه های اجتماعی به علت ماهیت خاص خود غالباً به صورت گروهی و نه به صورت فردی معرفی می‌شوند. بر این اساس برای تخمین نحوه و میزان اثرگذاری آنها نیاز است که عوامل کنترلی مناسب که دارای ماهیت فردی بسوده ولی در عین حال می‌توانند اثرگذاری گروهی را نیز نشان دهند، انتخاب شوند. این خود یکی از اولین موانع برای تحلیل تجربی سرمایه های اجتماعی است. همچنین در این راستا به غیر از مشکل انتخاب می‌توان به مبهم و غیرشفاف بودن مفهوم سرمایه های اجتماعی، ماهیت غیرمحض و نیز ماهیت درونزا بودن سرمایه های اجتماعی و در نهایت امکان نادیده

گرفته شدن برخی متغیرهای مهم تأثیرگذار، به عنوان دیگر موانع موجود در مسیر یک تحلیل رگرسیونی صحیح برای سرمایه های اجتماعی اشاره کرد.

با این وجود متغیرهای مربوط به سرمایه های اجتماعی می‌توانند بسیاری از تغییراتی که حسابداری رشد نئوکلاسیکها از توضیح آن ناتوان بوده است را به خوبی توضیح دهند.

توضیحی بیان شده توسط سرمایه های اجتماعی می‌تواند یک رابطه کاذب باشد ولی این مطلب نمی‌تواند نقش فرضیه های مربوط به سرمایه های اجتماعی، به عنوان یک نقطه شروع مناسب برای رسیدن به دلایل توضیح دهنده اصلی را مخدوش کند.

مثال "تغییرات بزرگ توضیح داده نشده" (Remaining large Variable) را می‌توان در تغییرات قیمت املاک واقعی پس از اینکه به وسیله متغیرهای اقتصادی کنترل شده است، جستجو کرد. اوموری (۲۰۰۱ Omori) نشان داد که قیمت‌های معاملاتی مربوط به آپارتمانهای دست دوم در توکیو پس از کنترل اندازه و عمر ساختمان، زمان مسافرت تا محل کار و غیره، بسیار تغییر کرده است. این نتیجه با این مفروضات به دست آمده است که حجم نمونه انتخابی به حد لازم بزرگ بوده است، ضریب تخمینی معادله هدونیک (Hedonic) از لحاظ آماری معنادار بوده است و نهایتاً اینکه ترکیب نژادی مناطق زیاد تغییر نکرده است.

توجه به این حقیقت که برخی عوامل مهم در تغییر قسیمیتم آپارتمان مانند کیفیت، کمیت تسهیلات عمومی تغییر چندانی نداشته است، نشان می‌دهد که عوامل مهم دیگری برای توضیح تغییرات عمده در قیمت‌ها، نیاز است. بدون شک، سرمایه های اجتماعی محلی و تغییر در آسیب پذیری ساختمانها در برابر بلایای طبیعی مانند زمین لرزه های مهیب از جمله عوامل مهم در این زمینه است.

حال که نگرش کلی در مورد سرمایه های اجتماعی مطرح شد، به نگرش اقتصاد خردی اولیه که به بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه

سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در هم تنیده از هنجارها، ارزشها و ادراکهای مشترک افراد جامعه است که همکاری و تعامل بین آنها را تسهیل می‌کند.

های اجتماعی بر رفتار بندگان، خانوارها و دولت، می‌پردازد برمی گردیم.

### کانالهای اقتصاد خرد - تجارت

سرمایه های اجتماعی و به ویژه مواردی مانند اعتماد می تواند هزینه های معاملاتی، هزینه های کسب اطلاعات و هزینه های مربوط به فعالیتهای قانونی را کاهش دهد. سرمایه های اجتماعی به شخص کمک می کند تا بتواند هزینه تشخیص احتمالات مختلف و بررسی شرایط آنها را مقرون به صرفه کند. جامعه ای که از سرمایه اجتماعی اعتماد و اطمینان بهره می برد، می تواند از طریق تضمین عملکرد و اجرای قراردادها، هزینه های مربوط به سیستم قانونی را نیز کاهش دهد. البته این سکه روی دیگری نیز دارند و آن اینکه بنگاه های اقتصادی بیشتر مایل هستند با شرکای مطمئن همکاری کنند. این تمایل سبب کاهش رقابت شده و حتی گاهی به فنا شدن امتیازات حاصل از معامله با شریک تجاری جدید می شود.

سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد دو طرفه، ارزشها و ادراکات مشترک باعث سودمندتر شدن مذاکرات بین طرفین معامله می شود. اگر تعداد خریداران و فروشندگان حاضر در قرارداد، کم باشد، معاملات بیشتر به صورت مذاکره و گفتگو انجام می شود. در این حالت هیچ تضمینی برای اجرای اصل بهینه «پاراتو» وجود ندارد، ولی وجود اعتماد بین طرفین قرارداد به عنوان یک سرمایه اجتماعی می تواند به آنها برای رسیدن به بهینه پاراتو کمک کند.

سرمایه های اجتماعی، همچنین تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل می کند که این خود به کارآمد شدن هر چه بیشتر تخصیص پویای منابع کمک می کند. غالباً گفته می شود که طرحهای اقتصادی موجود در اقتصاد مبتنی بر بازار، تنها طرحهای خبری و علامت دهنده هستند؛ زیرا که این طرحها علی رغم اینکه فعالیتهای مطلوب و امکان پذیر را نشان می دهد ولی در عمل هیچ گونه قدرت قهری برای انجام این فعالیتهای در بخش خصوصی، ایجاد نمی کند.

حال اگر در همین بازار فرض کنیم سرمایه ای

اجتماعی مانند اعتماد وجود دارد، در این حالت اگر تبادل اطلاعات با هدف فراهم شدن رضایت عمومی همه عوامل بازار صورت بگیرد، کارایی کلی فعالیتهای تقویت خواهد شد. برخلاف نظریه غالب موجود در کتب اقتصادی که مکانیزم بازار را کارآمد می داند، یک پیش شرط در این مسیر وجود دارد و آن اینکه ابتدا باید بازاری وجود داشته باشد تا بعد در مورد کارایی آن صحبت شود در حالی که با توجه به اینکه جهان واقعی پر از ناطمینانی است، تحقق این پیش فرض بسیار تردید روبرو است.

اگر افراد بازار با یک مجموعه اطلاعات مناسب از شریک تجاری خود تجهیز شوند مثل اینکه نحوه عکس العمل وی به تغییر در محیط زیست را بدانند، می توانند روابط تجاری خود را به نحو مناسب تر شکل دهند تا اینکه صرفاً تمام اطلاعات خود را از طریق تغییر در قیمت قراردادها کسب کنند.

سرمایه های اجتماعی باعث می شود که اقتصاد بتواند از امتیازات ناشی از اثرات بیرونی شبکه ای (Network Externalty) سود ببرد. این در حالی است که هر شبکه با ریسکهای خاص خود مانند شوکها و فشارهای بیرون از شبکه و اختلافات درون شبکه ای و غیره روبرو بوده است. این ریسکها با بزرگ شدن اندازه شبکه، رشد می کنند و حتی گاهی به عامل فشاری برای اندازه بهینه شبکه تبدیل می شوند. سرمایه اجتماعی به علت ماهیت خاص خود می تواند در این مورد نیز ریسکهای مخرب را کاهش دهد.

سرمایه های اجتماعی همچنین نقش مهمی در اداره بنگاه ها بازی می کنند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاه ها است. سرمایه های اجتماعی شناخته شده را می توان در هر تشکیلاتی یافت و در واقع وجود همین سرمایه ها است که باعث شده است تشکیلات مالی مختلف به جای اینکه خود را به سادگی براساس ترکیبی از عوامل فیزیکی تولیدی که به صورت جداگانه از بازارهای مرتبط خود خریداری شده اند شکل دهند، برنامه ریزی خود را براساس

سرمایه های  
اجتماعی و به ویژه  
مواردی مانند اعتماد  
می تواند هزینه های  
معاملاتی، هزینه های  
کسب اطلاعات و  
هزینه های مربوط به  
فعالتهای قانونی را  
کاهش دهد.

خود تولید قرار دهند؛ زیرا که تولید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی وابسته است، تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز قرار دارد.

تجربه ناخوشایند کمپانیهای نفتی آمریکا و شرکت‌های مواد غذایی ژاپن نشان می‌دهد که در صورت لحاظ نکردن نقش سرمایه‌های اجتماعی، وضع قوانین مدرن برای همکاری هر چه بیشتر در مؤسسات اقتصادی نمی‌توانند تضمین لازم را برای اداره شدن مناسب بنگاه‌ها فراهم آورند.

سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند حتی از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصت‌های تجاری مناسبی به وجود آورد. اساساً وجود سرمایه‌های اجتماعی مانند اعتماد دوطرفه از ضروریات یک تجارت جدید محسوب می‌شود. برای مثال یک ایده و یا یک طرح جدید خوب به راحتی می‌تواند مورد معامله قرار گیرد، ولی متأسفانه سیستم قانونی محافظت از داراییهای فکری به حد لازم قوی نیست، لذا در مراحل اولیه چنین معامله‌ای اگر اعتماد لازم وجود نداشته باشد، احتمال سرقت طرح وجود دارد.

در مراحل بالاتر و همکاریهای وسیع‌تر نیز این چنین است. اگر دو بنگاه بزرگ برای همکاری در زمینه یک محصول جدید بخواهند اطلاعات همدیگر را دریافت کنند، لازم است که در تبادل اطلاعات صراحت و راستگویی کامل که از جمله سرمایه‌های اجتماعی شناخته شده محسوب می‌شود، وجود داشته باشد.

امروزه در ژاپن مجموعه بنگاه‌هایی به نام کی یرت سو (Keiretsu) وجود دارد که اعضای آن از طریق همکاری بلندمدت و سیستم سهام متقابل از تبادل کامل اطلاعات بین همدیگر سود می‌برند. البته نقطه ضعف این مجموعه که از همکاری بلندمدت آنها ناشی شده است، نداشتن نگرش باز و بسنده کردن به شرکای قدیمی و عدم تمایل به همکاریان جدید از جمله شرکت‌های خارجی است. به همین دلیل است که شرکت کی یرت سو در حال نزول است و اعضای اولیه آن در صدد یافتن راه‌های جدید همکاری هستند؛

چیزی که سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در آن داشته باشد.

سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند به جوامع محلی کمک کند تا خود را از دیگران متمایز کنند که این روند در نهایت می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید تجاری و پیدایش فرهنگ‌های جدید محلی منجر شود. اگر منطقه‌ای یک محصول یا ویژگی خاصی دارد می‌تواند با جذب افراد متمایل به آن، زمینه تعامل بیشتر افراد و امکان فعالیتهای جدید تجاری را در کنار فرهنگ جدید نیز فراهم کند. البته شروع چنین فرایندی برای انجمنهای محلی مشکل است زیرا که وجود تمایلات متفاوت به صنایع و فعالیتهای مختلف مانع اجماع نظر نهایی می‌شود. تنها زمانی که همه افراد و ساکنان نظر یکسانی داشته باشند، مسؤولین می‌توانند قوانین فرعی مناسب برای آن منطقه وضع کنند؛ مانند اینکه همه ساختمانهای منطقه به سبک و بلندی یکسان ساخته شود. وجود سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در تحقق این اجماع نظر، بازی کند.

سرمایه‌های اجتماعی همچنین دلیل مناسبی برای وجود تفاوت بین ارزش جاری شرکت (Going Concern Value) و ارزش آن هنگام انحلال (Liquidation Value) است. اگر بنگاه بتواند بر سرمایه‌های اجتماعی مانند اعتماد و اعتبار، ماهیت شبکه‌ای خود و غیره تکیه کند می‌تواند ارزش جاری خود را در مقایسه با ارزش انحلال خود بالا ببرد. سایر اطلاعات مسؤولین بنگاه مانند آگاهی از تواناییها و ویژگیهای فردی کارکنان و آگاهی از اینکه چگونه یک شبکه متشکل از نیروها را می‌توان در راستای کارایی بالاتر، تقویت کرد، از دیگر عوامل ارتقای ارزش جاری شرکت است. البته هنوز در این مورد که آیا آگاهی از روشهای تقویت شبکه جزء سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شود یا نه بحث و گفتگو وجود دارد.

بنگاهی که بسین ارزش جاری آن و ارزش انحلال آن تفاوت وجود دارد می‌تواند به دو دلیل سرمنشأ مشکلات مربوط به وام باشد. نخست اینکه وامی که بانک به بنگاه می‌پردازد

سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند حتی از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصت‌های تجاری مناسبی به وجود آورد.

سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند به جوامع محلی کمک کند تا خود را از دیگران متمایز کنند که این روند در نهایت می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید تجاری و پیدایش فرهنگ‌های جدید محلی منجر شود.

سودآور می‌شوند. برای مثال خدمات محافظت شخصی در صورتی که سیستم امنیت عمومی ضعیف باشد، سود سرشاری خواهد داشت. البته باید گفت علی‌رغم اینکه در سیستم متداول حساب‌های ملی، این گونه خدمات جزء درآمدهای ملی محسوب می‌شوند ولی در کل جامعه‌ای که کمتر به این نوع خدمات نیاز داشته باشد بهتر از حالت قبلی بوده و درآمد بالاتری کسب خواهد کرد.

از دیگر ویژگی سرمایه‌های اجتماعی این است که باعث رشد خود نیز می‌شود. برای مسئولین برگزارکننده یک گردهمایی آزاد این ریسک وجود دارد که یک نفر بنخواهد انتقادهای شدید و غیرمتناسب با جلسه را به میان بکشد و یا اینکه کسی بنخواهد از این فرصت در جهت تبلیغ برای خود یا گروه خاصی استفاده کند. در نتیجه در یک جامعه که سطح اطمینان و اعتماد به افراد تا حدی نیست که بتوان یک سمینار آزاد در آن برگزار کرد، تشکیل چنین سمینارهایی بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. در نتیجه افراد آن جامعه از فرصت مناسب ایجاد شده برای شناخت بیشتر همدیگر و تبادل صریح نظرات محروم می‌شوند. این وضعیت مشخص می‌کند که باید در جامعه یک تعادل چندگانه برقرار شود. از یک طرف از جهت فعالیتهای مدنی پویا که به نفع جامعه است به نقطه مناسبی برسیم و هم زمان از طرف دیگر مسأله حضور افراد مشکل را که اقدام آنها در نهایت به ضرر جامعه خواهد بود به نحو مطلوبی حل شود.

امروزه تکنولوژی جدید ICT توانسته است راهی برای برگزاری سمینارهای فوق‌بدون ریسکهای مذکور بگشاید ولی در اینکه آیا این گونه روشها می‌تواند کاملاً جانشین سمینارهای رایج شود و اینکه آیا می‌تواند در برون رفت جامعه از این تعادل نامناسب نقشی ایفا کند یا نه تردید وجود دارد.

#### — کانالهای اقتصاد خرد — خانوارها؛

سرمایه‌های اجتماعی از طریق توزیع ریسک، می‌توانند بر نرخ پس‌انداز جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس‌انداز شوند. برای این

براساس ارزش جاری شرکت است. حال ارزش جاری شرکت و سرمایه‌های اجتماعی متناظر با آن می‌تواند به علت دلایلی که ذکر خواهد شد به سرعت تغییر کرده و کاهش یابد. در این حالت نقدینگی شرکت آن قدر نخواهد بود که بتواند وام را پرداخت کند.

دوم اینکه در برخی جاها و بخصوص کشور ژاپن بخش عمده‌ای از قراردادهای اجتماعی براساس تمایلات کمپانی استخدام‌کننده تنظیم می‌شود. در نتیجه انحلال شرکت نه تنها کارگران را از انتفاع از مهارتهای خاص بستگاهی بلکه از سرمایه‌های اجتماعی ناشی از ویژگیهای خاص از بنگاه محروم می‌کند. در این حالت هزینه‌های اجتماعی انحلال شرکت بسیار بیشتر از ضرری است که بر سهامداران شرکت تحمیل می‌شود.

سرمایه‌های اجتماعی، به ویژه سطح امنیتی جامعه، بعضی فعالیتهای تجاری را سودآور و برخی را غیرسودآور می‌کند، به نحوی که برخی فعالیتها را می‌توان براساس وزن سرمایه‌های اجتماعی داخل آن از بقیه جدا کرده و آنها را سرمایه اجتماعی محور نامید (Social Capital Intensive).

مثال بارز ما در اینجا هتل کپسولی ژاپن (که در آن مسافران در مکانهای ویژه‌ای که هیچ‌گونه قفل ایمنی ندارد اقامت می‌کنند) و یا فروشگاه‌های تسهیلات دهنده شبانه است. مثالهای مذکور تنها در این حالت خاصی که هستند سودآور هستند و هزینه بیشتر برای امنیت آنها، کل مجموعه را به فعالیت ضرردهنده تبدیل خواهد کرد. سرمایه‌های اجتماعی برای صنعت توریسم نیز بسیار حایز اهمیت است. میهمان‌نوازی ساکنان یک منطقه اثر مستقیمی بر جذابیت آن منطقه برای جهانگردان دارد. رسوم و فرهنگ محلی و منحصر به فرد بودن ویژگیهای منطقه نیز از عوامل دیگر جذابیت محل است. همان‌طور که بعداً تشریح خواهد شد این عوامل ارتباط عمیقی با سرمایه‌های اجتماعی دارد.

در مقابل، برخی فعالیتها تنها در صورت ضعیف بودن سرمایه‌های اجتماعی در جامعه

در مقابل، برخی فعالیتها تنها در صورت ضعیف بودن سرمایه‌های اجتماعی در جامعه سودآور می‌شوند. برای مثال خدمات محافظت شخصی در صورتی که سیستم امنیت عمومی ضعیف باشد، سود سرشاری خواهد داشت.



ادعا چند دلیل وجود دارد؛

اول اینکه هر چه اعتبار کارهای آینده اقتصاد بالاتر باشد، نرخ تنزیل زمانی در نزد مردم پایین تر می آید.

دوم اینکه در جامعه ای که سرمایه های اجتماعی با ذهنیت افراد آن ترکیب شده است، مردم به همان اندازه که به همسایه های خود که دائماً در تماس بالفعل با آنها هستند اهمیت می دهند، نسبت به منفعت و سود بالقوه فرزندان و نوادگان آینده خود نیز حساس هستند و لذا تمایل دارند با پس انداز بیشتر، اموال بیشتری برای آنها فراهم کنند.

سوم اینکه تربیت فرهنگی و مذهبی افراد نیز می تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر و همچنین پس انداز بیشتر تشویق کند.

از طرف دیگر برخی معتقد هستند که سرمایه های اجتماعی به ویژه فعالیتهای مربوط به شبکه های خصوصی به عنوان محلی برای توزیع ریسکهای فردی عمل نموده و از این طریق سبب کاهش نرخ پس انداز می شوند. سرمایه های اجتماعی مصرف جمعی جامعه را نیز افزایش می دهند. این به خاطر این است که در واقع برخی مصارف ماهیت گروهی دارند. برای مثال در اکثر مسابقات ورزشی افراد یک تیم همگی از لباسهای یکسان استفاده می کنند و اگر مثلاً تغییری در رنگ و مدل لباسها ایجاد شود، حداقل به تعداد افراد تیم لباس جدید خریداری خواهد شد. به علاوه برخی سرمایه های اجتماعی مانند نوع دوستی می تواند هزینه های رزرو کالا و خدمات را کاهش دهد. این حالت زمانی است که یک شخص امکان اینکه دوستان او از کالایی خاص آن هم نه الزاماً به صورت مشترک با وی، استفاده کنند را جزء اصول مورد قبول خود قرار دهد.

سرمایه های اجتماعی می تواند سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی (Human Capital) را تشویق و سبب ارتقای چالشهای موجود در این زمینه شود. برای مثال اگر افراد درون یک صنعت از نقطه نظر مصرف کنندگان افراد قابل اعتماد باشند، آن صنعت از طریق کاهش نرخ معیوب

بودن در نظر مصرف کنندگان به یک صنعت قابل پیش بینی و مطمئن تبدیل می شود. همچنین وقت شناسی و منظم بودن خدمات راه آهن و پست و اعتبار شبکه خدمات برق و تلفن و حتی بررسی و دقت صادقانه انتقاد مصرف کنندگان همگی مثالهایی از سرمایه های اجتماعی هستند که می توانند سبب رشد سرمایه های انسانی می شوند. این در واقع تصویر اقتصادی است که کشور ژاپن توانسته برای خود بسازد. شرایط اجتماعی مطلوب، زمینه ساز ایجاد اعتماد و اطمینانی در جامعه می شود که آن هم به نوبه خود به تشکیل ساختار مناسب برای سرمایه های انسانی کمک می کند. در این شرایط افراد جامعه نگرانی کمتری از بابت اینکه تلاشهای آنها به خاطر ضعف و قصور دیگران بی پاداش بماند، دارند.

سرمایه های انسانی تنها تواناییهایی که یک شخص از طریق آموزش به دست می آورد نیست بلکه گردآوری تجربه ها و استفاده از نتیجه تلاشهای دیگران نیز جزو سرمایه های انسانی محسوب می شود. از آن جایی که سرمایه های انسانی باعث افزایش وثوق و اعتبار تجارت می شوند، قاعدتاً باید حد آستانه خاصی برای آن وجود داشته باشد. اگر سرمایه های اجتماعی از حد آستانه ای خاصی پایین تر باشند، نبوغ و توانایی افراد به علت فقر موجود در سرمایه های اجتماعی، به ثمر نمی نشیند. در حالی که به طور طبیعی افراد مایل هستند تجارت و یا فعالیتهای خود را در کشوری انجام دهند که به تلاش آنها پاداشی در خور آن تعلق بگیرد و یا اینکه اگر در کشور خود می مانند، مایل هستند که در فعالیتی تلاش کنند که بتواند نبوغ و استعداد آنها را بروز داده و به ثمر رساند.

### سرمایه های اجتماعی و بخش دولتی

سرمایه های اجتماعی در مدیریت و خدمات عمومی نقش مهمی ایفا می کند. اداره این امور یا به صورت کنترل سنتی جامعه و یا به وسیله تشکیلاتهای مدرن غیردولتی صورت می گیرد. حالت اخیر در مقایسه با مدیریت صددرد صد عمومی و یا سیستم خدمات کاملاً خصوصی، بسته به ماهیت خدمات مورد توجه، دارای

شرایط اجتماعی مطلوب، زمینه ساز ایجاد اعتماد و اطمینانی در جامعه می شود که آن هم به نوبه خود به تشکیل ساختار مناسب برای سرمایه های انسانی کمک می کند. در این شرایط افراد جامعه نگرانی کمتری از بابت اینکه تلاشهای آنها بخاطر ضعف و قصور دیگران بی پاداش بماند، دارند.

این خود سبب افزایش قیمت زمینهای آن منطقه می‌شود.

افزایش میزان ساکنان مالک خانه نیز با سرمایه‌های اجتماعی مربوط به زمین در ارتباط است، بررسیها نشان می‌دهد که ساکنانی که مالک خانه هستند بیشتر از ساکنان اجاره نشین تمایل به مشارکت در بهبود وضعیت محیط زندگی خود، نشان می‌دهند. دلیل بی تمایلی اجاره نشینها، انتظار جابجا شدن آنها به محل دیگر است. افزایش و رشد سرمایه‌های اجتماعی مربوط به زمین باعث می‌شود که این انتظار رفته رفته جای خود را به تمایل به سکونت دائمی بدهد و لذا بر تعداد مالکان خانه افزوده شود.

سرمایه‌های اجتماعی همچنین از طریق درآمد بالاتر، برای منطقه خودکفایی اقتصادی نیز به ارمغان آورد. برای مثال از جمله وظایف پول داخلی، قوی تر کردن نیروهای اقتصادی مرکز محور برای مسئولین داخلی و نیز ارضای احساس تعلق به یک وطن برای مردم عادی جامعه است. در عین حال وجود پول مشترک داخلی سبب روان شدن و آسان تر شدن همکاریهای دو جانبه بین افراد جامعه می‌شود. لذا در حالت کلی معرفی یک پول داخلی واحد برای همه افراد درون یک کشور سبب می‌شود هم سیاستهای اقتصادی مسئولین و هم تبادلات بین مردمی راحت تر و بهتر صورت بگیرد که حاصل آن در نهایت رشد وضعیت معیشتی و نهایتاً خودکفایی است.

**آیا سرمایه‌های اجتماعی واقعا سرمایه هستند؟**

سرمایه‌های اجتماعی در واقع تعمیم معنایی سرمایه‌های انسانی است. هر چند که آنها ممکن است برخی خصوصیتی که سایر سرمایه‌ها دارند را نداشته باشند. برای حصول به نتیجه بهتر، برخی از خصوصیات کلای سرمایه‌ای را برای سه گروه سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی بررسی می‌کنیم:

- انعطاف پذیری؛ آیا سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند به صورت انعطاف پذیر با سایر عوامل

کارایی هزینه بالاتری بوده و در رویارویی با چالشهای یکسان، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به دو سیستم مذکور دارد.

سرمایه‌های اجتماعی خوب، کارایی دولت را افزایش می‌دهند. اگر مردم مایل باشند کارهای خود را به صورت همکاری مردمی و بسدود دخالت دولت انجام دهند، فعالیتهای دولت روان تر و از بار مالی تحمیل شده بر دولت کاسته می‌شود. اخیراً دولت ژاپن یک سیستم جمع آوری اطلاعات ایجاد کرده است که در آن از افرادی که در موقعیت مالی مناسب و موفق قرار دارند خواسته می‌شود که براساس مشاهداتشان از وضعیتهای مختلف اقتصادی، تحلیل خود را از آن آرایه دهند. پاسخهای بدست آمده از این سیستم بسیار قابل اعتماد و حاوی اطلاعات مفید و آموزنده است.

از جمله فایده‌های غیراقتصادی سرمایه‌های اجتماعی کاربرد آن در توازن مالی است، همه می‌دانند که ارتباط مثبتی بین سطح فعالیتهای اجتماعی و وضعیت سلامت، طول عمر و شادابی و نشاط افراد جامعه، برقرار است. برای مثال وقتی از افراد مسن سرزنده و سر حال دعوت می‌شود که در یک گردهمایی محلی شرکت کنند، اثر حضور آنها می‌تواند سبب کاهش مصرف خدمات پزشکی بلندمدت که غالب افراد درگیر آن هستند، بشود، که این خود به توازن مالی دولت کمک می‌کند.

سرمایه‌های اجتماعی ارزش زمین را نیز افزایش می‌دهد.

در مباحث بعدی بحث دقیقی در مورد اجاره بها خواهیم داشت، ولی آنچه باید در اینجا اشاره کرد این است که سرمایه‌های اجتماعی موجود در یک منطقه بر ارزش آن منطقه تأثیر می‌گذارد. زیرا که وقتی اهالی یک منطقه یک سرمایه اجتماعی مانند تمایل به مراقبت و حمایت از یکدیگر را سرلوحه کار خود قرار دهند، هر تازه واردی برای آن که بتواند در این محل اقامت کند مجبور است این منش اجتماعی را بپذیرد. در نتیجه در حالت کلی ورود به این منطقه یعنی برخوردار شدن از یک سپر حمایتی مردمی که

از یک طرف مهاجرتها  
با ایجاد تنوع در جامعه  
باعث غنای  
سرمایه‌های اجتماعی  
می‌شوند و از طرف  
دیگر باعث به هم  
خوردن توزان طبقاتی  
در مناطق و شهرها  
شده و لذا زمینه  
نابرابری و رشد جرایم  
را فراهم می‌آورد.

سرمایه‌های  
اجتماعی همچنین از  
طریق درآمد بالاتر،  
برای منطقه،  
خودکفایی اقتصادی  
نیز به ارمغان می  
آورند.



های مشکل ساز و ناهماهنگ را از پروسه تولید کنار بگذاریم، کاری که به هیچ وجه نمی توانیم برای سرمایه های اجتماعی انجام دهیم.

- مفهوم وسیع؛ سرمایه های اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها دارای مفهوم وسیعی است و نمی توان آن را با یک توضیح ساده مشخص کرد. صنایع و فعالیتهای متفاوت، هر یک جنبه ای خاص از تعریف سرمایه های اجتماعی را استفاده می کنند. درست است که مثلاً اعتماد دارای یک معنی بسیط است ولی هنگامی که در فعالیتهای مختلف قرار می گیرد تعریف و ارزش متفاوتی پیدا می کند. بر این اساس معقولاته نیست که بخواهیم یک ارزش واحد برای سرمایه های اجتماعی بیان کنیم.

با توجه به مطالب بیان شده در مورد ویژگیهای سرمایه (خلاصه شده در جدول ۱) می توان گفت که سرمایه های اجتماعی در مکتب نئوکلاسیکها، سرمایه محسوب نمی شوند و لذا تعمیم مفهوم سرمایه ای که در تئوریهای توسعه یافته آنها وجود دارد به نحوی که سرمایه های اجتماعی را نیز شامل شود، ما را به بیراهه خواهد کشاند.

اجتماعی	انسانی	فیزیکی	
گاهی	غالباً	بله	ایا می تواند به نحو انتطاف پذیری یا سایر عوامل تولید ترکیب شوند
غالباً	گاهی	بله	ایا می تواند در اهدافی دیگر غیر از اهداف طرح استفاده شوند
نه	بله	بله	ایا نرخ استهلاک در آن ثابت است
غالباً	گاهی	هرگز	ایا با افزایش زمان مصرف افزایش می یابد
بله	به ندرت	به ندرت	ایا به طور ناگهانی منسوخ می شوند
بله	نه	نه	ایا می تواند مانع بهره پوری شود
تخیلی زیاد	تجزیه جفا	زیاد	مقدار تجمعی آن چقدر معنادار است (ایا این معنا تک بعدی است)

جدول ۱- مقایسه سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی

### پیچیدگی و اثرات گروهی

یکی از ویژگیهای سرمایه های اجتماعی این است که بجز برخی سرمایه هایی که قابلیت تملک فردی دارند. (کلاسرآت آل ۲۰۰۲) بقیه دارای اثرات گروهی هستند. در تحلیلهای

دخیل در تولید مانند نیروی کار، سرمایه های فیزیکی پیش بینی شده، ترکیب شوند. میزان منفعت حاصل از کاربرد سرمایه های اجتماعی چقدر است، پاسخ این سؤالاها بستگی به نوع فعالیت دارد. فعالیتهای اقتصادی زیادی وجود دارد که بروز سرمایه های اجتماعی در آن نمایان نیست در حالی که سرمایه های فیزیکی و انسانی جزء عوامل اساسی در این فعالیتها هستند. به هر حال از لحاظ تطبیق پذیری واقعی، سرمایه های اجتماعی می توانند بسیار منعطف باشند زیرا که شالوده تشکیل آنها به نحوی است که می تواند برای اهدافی متفاوت از اهداف اولیه نیز کاربرد داشته باشند.

- نرخ استهلاک؛ استهلاک سرمایه های اجتماعی برخلاف سرمایه های فیزیکی، ارتباطی با میزان تولید ندارد. در حقیقت سرمایه های اجتماعی با افزایش مصرف افزایش پیدا می کند و از این جهت شاهد نرخ استهلاک منفی هستیم. برای مثال زیاد بودن تعداد قرارداد بین دو شریک باعث افزایش اعتماد دو طرفه می شود و یا تداوم بسیج نیروهای یک مجموعه به شدت بر عملکرد مثبت آنها تأثیر می گذارد. در عین حال مسأله منسوخ شدن سریع این سرمایه ها نیز بحث و جایگاه خاص خود را دارد. برای مثال در بحران مالی ۱۹۹۷ ژاپن، مردم به سرعت اعتماد خود را از دست دادند. طبیعی است که با تغییر در تکنولوژی و تقاضا فرایند منسوخ شدن برای سرمایه های انسانی و فیزیکی نیز رخ می دهد ولی در عین حال زمان آن بسیار کندتر از سرمایه های اجتماعی است.

- عدم هماهنگی؛ سرمایه های اجتماعی می تواند به عنوان مانعی برای کارا بودن فعالیتهای اقتصادی عمل کند. ما در اطراف خود شاهد هستیم که چگونه هماهنگ نشدن تکنولوژیهای مدرن با سرمایه های اجتماعی، باعث بروز نتایج نامطلوب در اهداف توسعه ای شده است. سرمایه های اجتماعی حتی می تواند مانعی برای توسعه فعالیت اقتصادی شود، برای مثال می توان به بحث استیگلیتز (Stiglitz) (۱۹۹۸) در مورد صنعت بیمه اشاره کرد. این مشکل در مورد سرمایه های انسانی و فیزیکی وجود ندارد، زیرا که به راحتی می توانیم سرمایه

سرمایه های اجتماعی می تواند به عنوان مانعی برای کارا بودن فعالیتهای اقتصادی عمل کند. ما در اطراف خود شاهد هستیم که چگونه هماهنگ نشدن تکنولوژیهای مدرن با سرمایه های اجتماعی، باعث بروز نتایج نامطلوب در اهداف توسعه ای شده است.

یکسانی در اختیار دارند. تنها تفاوت در این است که افراد شرکت اول در نگهداری و مراقبت از اتومبیلها اهتمام بیشتری به خرج می دهند. در نتیجه اتومبیلهای شرکت اول به علت کمتر بودن ضریب خرابی، مدت زمان بیشتری در حالت کارا باقی می ماند.

در واقع یک سرمایه اجتماعی در نهایت به کارا بودن یک سرمایه فیزیکی منتهی شده است.

- منشأ اثرات و تحرک عوامل؛ عامل دوم بررسی منشاء اثر است. اگر سرمایه مورد توجه سرمایه اجتماعی مخصوص گروه باشد (Group-Specific Human Capital) اجاره دادن آن در برابر پول حتی با فرض تحرک نیروی کار امکان دارد. حال اگر این سرمایه ها از خود گروه نشأت گرفته شده باشد و افراد دیگری نیز اجازه داشته باشند از آنها استفاده کند، تفاوت دستمزد ارایه شده برای آنها در طول زمان به علت تحرک نیروی کار و پویایی نرخ دستمزد، از بین رفته و تفاوتها تنها براساس عواملی که دو گروه را از هم متمایز می کند، خواهد بود. البته این به شرطی است که اثر جمعی سرمایه اجتماعی مورد نظر از خاصیت ویژه منطقیه یا گروه سرچشمه گرفته باشد، مثلاً اجاره بها براساس ارزش زمین تعیین شود که طبیعتاً در این صورت زمین گران تر، اجاره بهای بالاتر نیز دارد.

در پایان این مبحث باید ذکر کرد که با وجودی که بحث بالا، آزمایشی است و حالت تجربی دارد ولی در عین حال این گونه مطالعات در مورد اجاره سرمایه های اجتماعی، ما را قادر می سازد که بهتر بتوانیم سرمایه های اجتماعی را طبقه بندی و شناسایی کنیم.

#### مطالعات جدید

بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر راندمان فعالیتهای اقتصادی مسأله ای که حتی قبل از اینکه اصطلاح «سرمایه های اجتماعی» وضع شود، مورد توجه بوده است. در مورد سرمایه های اجتماعی، علی رغم مشکلات اندازه گیری و ابهامات موجود در راه تصور و ادراک آن، ابزارهایی در اقتصاد وجود دارد که می توان از آنها برای بررسی، اثرات خارجی

اقتصادی این مطلب چیز جدیدی نیست. بین سرمایه های اجتماعی و اثرات خارجی شبکه (Network Externality) که براساس آن ارزش شبکه با افزایش تعداد اعضا افزایش پیدا می کند، ارتباط روشنی وجود دارد.

در ادبیات رقابت انحصاری، فرض بر این است که همه بنگاه ها گیرنده متغیرها هستند در حالی که خود این متغیرها به وسیله کنش و واکنش گروهی بنگاه ها تعیین می شوند. بنابراین تصویری که از سرمایه های انسانی مخصوص بنگاه (Firm-Specific Human Capital) وجود دارد به خوبی برای سرمایه های انسانی مخصوص جامعه (Society Specific Human Capital) قابل استفاده است. در بافت سرمایه های اجتماعی نیز این روال برقرار است. لذا در بحث حول سرمایه های اجتماعی می توان از این تشابه به خوبی استفاده کرد.

#### اجاره دادن سرمایه های اجتماعی

اگر سرمایه های اجتماعی اثرات منفعت زا دارند، شخص ذینفع چه کسی است؟ جواب این سؤال به ۳ عامل بستگی دارد:

- جهت حرکت اثرات؛ برای بررسی عامل اول از مبحث مشابه در پیشرفتهای فنی استفاده می کنیم. منافع منتج از سرمایه های اجتماعی تولید را به مرزهای فراتر سوق می دهد. البته راه های این توفیق منحصر به فرد نیست. در بحث پیشرفتهای فنی انتقادهایی از طرف سولو، هیکس و هارود (Solo, Hicks, Harrod) بر این ملاکها وارد شده است.

مطالعات اقتصاد کلان این توانایی را می دهد که بتوانیم جهت تأثیرگذاری را در هر حالت بشناسیم. هر چند که در بحث حول سرمایه های اجتماعی نمی توان با این قطعیت صحبت کرد. برای مثال این حقیقت که سرمایه های اجتماعی برخلاف سرمایه های فیزیکی یک مسأله انسانی است، ضرورتاً ما را به این نتیجه که سرمایه های اجتماعی قوی باعث افزایش کارایی نیروی کار در مدل هارود می شود، نمی رسانند. برای توضیح بیشتر دو شرکت تاکسیرانی خصوصی را در نظر بگیرد. هر دو شرکت راننده و ماشین

عوامل اجتماعی از فاکتورهای مهم در تعیین ترجیحات هستند. این در حالی است که پروسه حداکثر سازی مطلوبیت در اقتصاد متداول، این عوامل را به منظور ساده سازی، در نظر نگرفته و از این لحاظ همواره مورد انتقاد بوده است.

(Externality)، اثرات گروهی و تعامل بی‌سین متغیرهای خرد و کلان استفاده کرد. از این نقطه نظر، سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان چتری که همه مطالب بحث شده قبلی را دربر می‌گیرد محسوب شود.

به علاوه در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، سرمایه‌های اجتماعی کمتر هیأت سرمایه‌ای دارند و از این لحاظ کلمه سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند مشکل ساز باشد.

به هر حال سرمایه‌های اجتماعی، مبحثی است که عناوین چالش برانگیز زیادی در ذیل آن، برای بررسی و بحث وجود دارد. برای این ادعا حداقل سه دلیل می‌توان بیان کرد:

۱- اینکه سعی می‌کند اقتصاد را از فروض اقتصادی متداول خود جدا کند.

۲- اقتصاد را قادر می‌کند با ورود تعاملات تکنولوژیکی و اجتماعی نگرش وسیعتری به مسایل داشته باشد

۳- و سرانجام باعث می‌شود اقتصاد روی مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می‌شود تمرکز بیشتری کند. در ادامه هر سه مورد بیان شده بررسی می‌شود.

### انسان یک موجود اقتصادی نیست

عوامل اجتماعی از فاکتورهای مهم در تعیین ترجیحات هستند. این در حالی است که پروسه حداکثر سازی مطلوبیت در اقتصاد متداول، این عوامل را به منظور ساده سازی، در نظر نگرفته و از این لحاظ همواره مورد انتقاد بوده است. در واقعیت امر، شاهد هستیم که افراد جامعه برای اجتماعی کردن رفتار خود از جمله صحبت کردن، کار کردن، معاشرت کردن و حتی خوردن و آشامیدن، اهمیت خاصی قابل هستند. به علاوه افراد جامعه به هیچ وجه از بازدهی و کارایی عملکرد آتی خود بی‌بهره و بی‌بهره در جوامع مدرن امروزی اطلاع دقیقی ندارند. این در حالی است که نیازهای اساسی مجزا از مسایل اجتماعی مانند، غذا، لباس و خانه تنها بخش کوچکی از بودجه اقتصادی آنها را شامل می‌شود.

در واقع باید گفت که آنچه رفتار و عملکرد ما

را در آینده مشخص می‌کند چیزی مجرد از سایر عوامل نیست بلکه در تعامل با سایر عوامل بوده و به طور هم زمان و به طور مستقیم و غیرمستقیم با مردم در تماس بوده و بر آنها تأثیر می‌گذارد.

به علاوه هر کسی که تجربه کار در یک تشکیلات بزرگ را داشته باشد می‌داند که بهره‌وری کارگر به طور مستقیم به ذهنیت وی از کار و محیط آن بستگی دارد که از این نظر دستمزد تنها تعیین کننده بخش کوچکی از این ذهنیت است. موضوعات دیگری مانند غرور، عزت نفس، حس مشارکت، موفقیت، درک و تحقق ایده‌های کارگر و نهایتاً احترام گذاری از طرف افراد هم سطح و هم کار، نیز از عوامل مهم در شکل دادن این ذهنیت است. البته اقتصاد نیز دلایل خاص خود را برای این ساده سازی دارد. بدین صورت که اگر نسبت به فروض اقتصادی مربوط به حداکثر سازی مطلوبیت بی‌اعتنا شویم و یا آن را ناکافی بدانیم، بسیار مشکل خواهد بود که از میان آنبوه فروض بتوانیم جایگزین مناسب انتخاب کنیم.

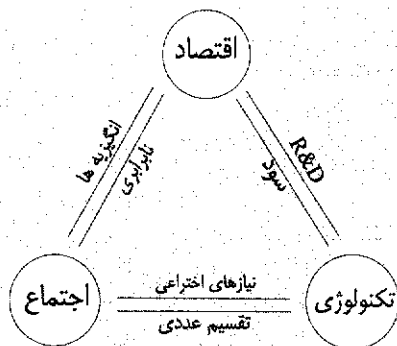
آیا سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند بیرون از مرزهای نفع شخصی شکل بگیرد؟ برای این سؤال هم جواب مثبت و هم جواب منفی وجود دارد. به نظر می‌رسد برای پاسخ صحیح به این سؤال دو رویکرد وجود دارد:

نخست اینکه فروض حداکثر سازی مطلوبیت شخصی را اساس قرار داده و سپس افق مکانی و زمانی را تا حد امکان گسترده کنیم تا سایر موارد خارج از نفع شخصی را نیز شامل شود. برای مثال فردی می‌تواند تحلیلهای نظریه بازیها را به حالت عدم اطمینان از آینده و بازیهای تکراری تعمیم دهد و یا اینکه فرض کند افراد پس از کسب الگوهای رفتاری، عکس العملی ناخودآگاهانه در برابر وضعیتهای مختلف از خود نشان می‌دهند. در حالی که شخص دیگری ممکن است مدلی ارایه کند که در آن افراد رفتاری نوع دوستانه و توأم با همکاری دارد.

نگرش دوم با پذیرش این فرض که انسانها، ماهیتی نوع دوستانه و همکارانه دارند و این طور نیست که صددرصد دنبال منافع شخصی خود

اگر تکنولوژی وارداتی با سرمایه‌های اجتماعی موجود در کشور گیرنده در مغایرت باشد، کشور بر سر دوراهی انتخاب تکنولوژی و یا پایبند بودن به سرمایه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

مثالی از ارزیابی کنیم (شکل شماره ۳)



شکل ۳- سرمایه های اجتماعی و نگرش ترکیبی

تعامل تکنولوژی

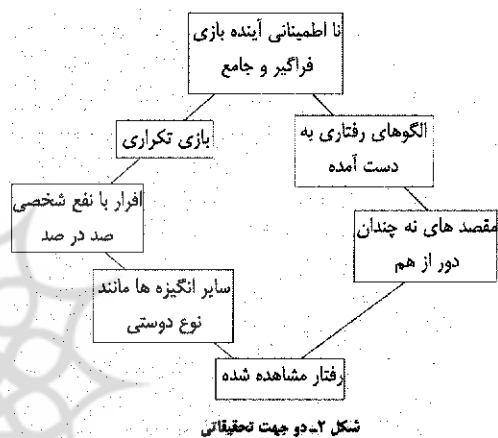
نخست، دلیل اینکه گفته می شود سرمایه های اجتماعی نقش مهمی در توسعه دارند این است که این سرمایه ها، فرصتهایی به وجود می آورند که تکنولوژیهای مدرن و جدید از طریق آنها در داخل جامعه سنتی نفوذ کنند. توسعه نیافتگی در واقع نتیجه اقتصادی هماهنگ نشدن عوامل تکنیکی و اجتماعی است. در حالی که توفیق اهداف توسعه ای نیازمند ترکیب و تعامل این دو عامل است.

دوم، درجه مطلوب نابرابری در درآمد آتی مثال دیگری از نبود نگرش ترکیبی است. از قدیم الایام چنین بوده که برای تعیین درجه نابرابری درآمد، نیاز به ملاکهای برابری بوده است. مطالب زیادی نوشته شده است که براساس آنها از نقطه نظر کارایی درجه برابری در توزیع درآمد به میزان تواناییها و اثرات تحرک بخش بستگی دارد (با فرض بی هزینه بودن پرداختهای انتقالی درآمدی).

حال اگر پرداختهای درآمدی (Income Transfer) هزینه بر باشد که در واقعیت این گونه است و همچنین اگر نابرابری درآمدی از طریق عوامل اجتماعی بر عملکرد اقتصادی اثر داشته باشد، آنگاه ضروری به نظر می رسد که در تحلیلها این عوامل نیز به دقت مورد بررسی قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت درجه نادرست توزیع درآمد سبب نتایج ناگوار در عملکرد

باشند، شروع می شود. سپس با جمع آوری شواهد و تجربیات می توانیم مشخص کنیم کدام رفتار رفتار انسانی است و کدام نیست.

بررسی دو نگرش بالا نشان می دهد که اگر چه نقطه شروع دو نگرش در تضاد کامل با هم قرار دارند و در دو جهت کاملاً متفاوت هستند ولی این دلالت بر این ندارد که نتیجه و مقصد آنها نیز حتماً فاصله زیادی از هم داشته باشند.



سرمایه های اجتماعی چتری برای نگرش ترکیبی

مفهوم سرمایه های اجتماعی ما را قادر می سازد با ترکیب نگرشهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، نگاهی بسیار وسیع تر و تحلیلی جامع تر داشته باشیم. تعامل دوجانبه این نگرشها همواره مورد بررسی و تحقیق قرار داشته است.

ولی علی رغم اینکه مفهوم اقتصادی ارتباط بسین عوامل اجتماعی و تکنولوژیکی اهمیت خاص دارد و می تواند در تحلیلها دید روشن تری ارائه کند؛ چنین نگرش سه گانه ای به مسأله به ندرت به کار رفته است.

از آنجا که تکنولوژیهای مختلف، دارای صرفه جویی به مقیاس (Economy of Scale) و صرفه جویی به حدود (Economy of Scope) متفاوتی هستند غالباً اتفاق می افتد که یک تکنولوژی از لحاظ هماهنگی و تناسب با سرمایه های اجتماعی کشور به خوبی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته نشده باشد. اجازه دهید در این مورد

سرمایه های اجتماعی از طریق اثر گذاری بر رفتار بنگاه ها، خانوارها و دولت بر عملکرد اقتصادی جامعه اثر می گذارد.

اقتصادی جامعه خواهد شد.

به علاوه به حساب آوردن تکنولوژی نیز بسیار مهم است. زیرا همان گونه که میاکاوا (Miyakawa ۲۰۰۰) بیان کرده است، حتی زمانی که، توانایی افراد طی زمان تغییر نکند، متناسب با تغییر در تکنولوژی، توانایی مربوطه نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال تکنولوژی ICT جایگزین بخش قابل توجه ای از کارمندان اداری شده است. لذا درست است که توانایی کارمند تغییر نکند، ولی ورود تکنولوژی جدید در توانایی مورد نیاز شده است.

بنابراین اگر بخواهیم درجه بهینه مالیات تصاعدی بر درآمد را به نحوی که برای مردم نیز قابل تحمل باشد مشخص کنیم ناچار از توجه به تمام این عوامل هستیم. سوم، علی رغم اینکه کشور ژاپن در دهه های ۷۰ و ۸۰ از لحاظ معرفی تکنولوژی رباتها از آمریکا پیش بود ولی در بهره بردن از امتیازات تکنولوژی ICT نتوانست به اندازه همتای خود موفق باشد و این به دلیل برخی سرمایه های اجتماعی خاص مانند بازار کار ژاپن که دارای نیروی کار یدی انعطاف پذیر و نیروی کار اداری غیرمنعطف است، می باشد.

#### سرمایه های اجتماعی و مسایل مورد توجه جامعه

سرمایه های اجتماعی با مواردی در ارتباط هستند که اهمیت آنها در جامعه در حال رشد است. دلایل متعددی نیز وجود دارد که نشان می دهد نگرش ترکیبی که قبلاً بیان شد اهمیت فراوانی یافته است. اول اینکه، در مقایسه با گذشته در کشورهای توسعه یافته، مردم کمتر حسالت انسان اقتصادی دارند و فعالیتهای اجتماعی از جمله فعالیتهای فرهنگی، تقنینی و همچنین انگیزه های غیرمادی برای کار کردن به نحو فزاینده ای اهمیت پیدا کرده اند.

دوم اینکه، در جهان امروز تکنولوژی ما به شدت در حال جهان شمول شدن هستند. در گذشته کشورهای مختلف تکنولوژی و سرمایه های اجتماعی خاص خود را داشتند که مناسب سایر کشورها نیز بود. ولی با جهانی شدن فعالیتهای اقتصادی، کشورها بیشتر در معرض تکنولوژیهای خارجی قرار دارند. اگر تکنولوژی وارداتی با سرمایه های اجتماعی موجود در کشور گیرنده در مغایرت باشد، کشور بر سر دوراهی انتخاب تکنولوژی و یا پایبند بودن به سرمایه های اجتماعی قرار می گیرد. اگر کشوری مانند کشورهای اسلامی در حمایت از تعالیم و اصول اجتماعی خود، مانع ورود تکنولوژی جدید شوند، سطح درآمد آن نه تنها به طور نسبی که حتی به طور مطلق نیز از طریق نشت تجاری کاهش می یابد.

از طرف دیگر پذیرش تکنولوژی جدید، می تواند باعث بروز آفتگیهای اجتماعی شود. بهترین حالت زمانی است که سرمایه های اجتماعی به تدریج و متناسب با تکنولوژیهای جدید تغییر کنند به نحوی که عوارض

جانبی قبلی ظاهر نشود. به هر ترتیب باید پذیرفت که شوکهای تکنولوژیکی و به خصوص آنهایی که از سایر کشورها سرچشمه می گیرند، به مانند یک عامل برونزای قسوی عمل می کنند و از این جهت بر همه کشورها، حتی کشورهایی که آنها را قبول نکرده اند، اثر می گذارند.

بنابراین در جمع بندی می توان گفت که تبیین سیاستهای اجتماعی باید براساس یک نگرش رو به جلو انجام پذیرد. به صورتی که کشور بتواند از یک طرف تکنولوژیهای مفید و مدرن را قبول کند و از طرف دیگر فرایند تطبیق با این تکنولوژیها تسهیل شود و در عین حال اثرات جنبی منفی آن نیز حداقل شود.

سوم، علی رغم این تغییرات در سرمایه های اجتماعی، فعالیت دولتها در صورت دادن تعدیلات لازم، بسیار کند بوده است. در کشورهای پیشرفته فعالیتهای دولتهای مرکزی و محلی تنها این بود که براساس نوع کارهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی وزارت خانه ها و یا بخشها را تفکیک و پستهای جدی ایجاد کنند.

ولی در فرایند صنعتی شدن، این کارها تنها تا حد خاصی قابل قبول است و بیش از آن حد نیاز به تلاشهای گسترده تری است. استیگلیتز (Stiglitz ۱۹۹۸) و اوموری (Omory ۲۰۰۰) نشان دادند که در فرایند توسعه اقتصادی برخی از جنبه های سرمایه های اجتماعی مانند روابط موجود در بازارها و نیز نهادهای مورد قبول مردم، به وسیله موارد از قبیل طراحی شده مناسب جایگزین شده اند. این عمل، علی رغم اثرات منفی همراه خود، یک حرکت رو به جلو و پیشرفت است. در این حالت وظیفه اصلی وزارتخانه ها و بخشهای محلی این است که چگونه این سیستم جدید را پیشرفت بیشتری دهند.

در گذشته اثرگذاری تکنولوژیهای وارداتی مدت زمانی بیشتری به طول می انجامید. در حالی که امروزه با توجه به رابطه معکوس و U شکل بین سرمایه های اجتماعی و مراحل توسعه، سرمایه های اجتماعی مجدداً به عنوان یکی از عناصر مرتبط با نگرش ترکیبی مورد توجه قرار گرفته است.

#### تعادل چندوجهی و مسیر وابستگی

اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقد هستند که اقتصاد در نهایت به یک تعادل یگانه می رسد. در حقیقت اقتصاد کینزی نیز برای توضیح عدم تعادل موجود در اقتصاد کلاسیک به وجود آمد. ولی آن هم تنها عدم تعادل کوتاه مدت را توضیح می داد. در نظر آنها سیاستهای اقتصادی تنها اثرات کوتاه مدت و موقتی بر روند اقتصاد دارند. به هر حال از آن جایی که تعادل مربوط به سرمایه های اجتماعی ماهیتی چندگانه دارد، اگر تحلیلهای اقتصادی جنبه های مربوط به سرمایه های اجتماعی را نیز لحاظ

اگر نابرابری درآمدی از طریق عوامل اجتماعی بر عملکرد اقتصادی اثر داشته باشد، آنگاه ضروری به نظر می رسد که در تحلیلها این عوامل نیز به دقت مورد بررسی قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت درجه نادرست توزیع درآمد سبب نتایج ناگوار در عملکرد اقتصادی جامعه خواهد شد.



چهارم، سیاست‌های مربوط به مالیات و محدوده فعالیت سسازمانهای غیردولتی، نیز از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی هستند که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

یکی از مباحث مشکل در این مقوله، سیاست‌های مهاجرتی است. از یک طرف مهاجرت‌ها با ایجاد تنوع در جامعه باعث غنای سرمایه‌های اجتماعی می‌شوند و از طرف دیگر باعث به هم خوردن توزان طبقاتی در مناطق و شهرها شده و لذا زمینه نابرابری و رشد جرایم را فراهم می‌آورد.

از دیگر سیاست‌های مربوطه می‌توان به مواردی مانند استفاده انعطاف پذیر از تسهیلات عمومی برای فعالیتهای گروهی، کوتاه شدن زمان اضافه کاری و ارتقای تعداد ساکنان مالک خانه، اشاره کرد.

#### جمع بندی

سرمایه‌های اجتماعی از طریق اثرگذاری بر رفتار بنگاه‌ها، خانوارها و دولت بر عملکرد اقتصادی جامعه اثر می‌گذارند. در این مقاله به ۱۸ کانال مختلف برای اثرگذاری اشاره شده است؛ البته بیشتر آنها قبلاً در چارچوب تئوریهای اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزارهای تحلیلی اقتصاد همیشه یکسان عمل می‌کنند، ولی ویژگیهای پیچیده سرمایه‌های اجتماعی مانند اثرات خارجی، اثرات گروهی، نامشهود بودن متغیرها و غیره سبب کنسل شدن تحلیل آنها شده است.

در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، بروز خصیصه سرمایه بودن در سرمایه‌های اجتماعی کم‌رنگ‌تر است. لذا استفاده مستقیم از تئوریهای مربوط به سرمایه‌های فیزیکی و انسانی برای سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند گمراه کننده باشد.

سرمایه‌های اجتماعی در سه مورد می‌توانند کمک بزرگی باشند:

اول، به ما کمک می‌کند از فروض صد در صد اقتصادی فاصله بگیریم و در تحلیلهای خود در مورد رشد بهره‌وری، مواردی مانند رفتار نوع دوستانه و همکاریانه و انگیزه‌های غیرمادی برای کار را نیز لحاظ کنیم.

دوم، سرمایه‌های اجتماعی به ایجاد یک نگرش ترکیبی که از تعامل سه جانبه عوامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی به دست می‌آید کمک بزرگی می‌کند.

سوم، سرمایه‌های اجتماعی ما را در محیطی فراصنعتی و جهانی شده با مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می‌شود، روبرو می‌کنند و در عین حال بخش دولتی را مجبور می‌کنند نگرش ترکیبی را که سرمایه‌های اجتماعی در آن لحاظ شده، سرلوحه کار خود قرار دهند.

اجاره منافع حاصل از اثرات اجتماعی که به نیروی کار، سرمایه و مالکان زمین تعلق می‌گیرد به جهت و منشأ اثر و تحرک عوامل بستگی دارد.

کنند، می‌توانند دلیل اینکه چرا برخی کشورهای اقتصادی جنبه‌های مربوط به اهداف توسعه‌ای خود رسیده‌اند و برخی نتوانسته‌اند، روشن می‌شود.

#### کدام یک از کانالهای اثرگذاری مهم هستند؟

بدون شک پاسخ این سؤال مستلزم تحقیقات وسیعی است ولی فی‌الجمله به مواردی که تا این لحظه خود را به عنوان کانالهای مهمی مطرح کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

- اثرگذاری بر ساختار سرمایه‌های اجتماعی

- ایجاد فرصتهای شغلی شبکه‌ای

- استفاده اقتصادی از اثرات غیراقتصادی مانند انگیزه‌های غیرمادی برای کار در جهت افزایش بهره‌وری و رشد سلامت و غیره.

#### سیاست‌هایی برای پیشرفت سرمایه‌های اجتماعی

چه سیاست‌هایی می‌تواند باعث تشویق و ترویج سرمایه‌های اجتماعی شود با توجه به اینکه سرمایه‌های اجتماعی، مسایلی چند بعدی هستند، نمی‌توان سیاست‌های مناسب برای آنها را به طور کامل مورد مطالعه قرار داد. بدون شک سیاست‌های اجتماعی همانند حمایت‌های مالیاتی، بیمه بیکاری، مستمری خانوارهای بی سرپرست و غیره، در بقای سرمایه‌های اجتماعی و حتی ترویج آن از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

در مقابل این سؤال هم مطرح است که چه سیاست‌هایی باید به کار برد که باعث آسیب دیدن سرمایه‌های اجتماعی نشود؟ پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است. زیرا هنوز اطلاعات مناسبی از نحوه تضعیف و نابودی سرمایه‌های اجتماعی در دست نیست که بتوان براساس آن پاسخ صحیحی ارائه داد. ولی در کل می‌توان به برخی سیاست‌های مفید در این مورد اشاره کرد:

نخست اینکه، اولویت آموزش، از درس دادن بخش خاصی از علوم به دانش‌آموزان، به طرف تربیت انسانهای متمدن، وجیه و قابل احترام تغییر جهت دهد. همچنین به دانش‌آموزان فرصت بحث و کنکاش بیشتر، انجام پروژه‌های اختیاری، مطالعات گروهی و کسب تجربیات موفقیت آمیز داده شود و در کنار آن تعداد آموزگاران که تجربه شغل دیگری دارند نیز افزایش یابد.

دوم، احساس ثبات در فرصتهای شغلی، امید به مستمریها، احساس امنیت در زندگی روزانه و مواردی از این قبیل که به عنوان پیش فرضهای مهمی برای ایجاد نگرش مثبت در جامعه، هستند افزایش پیدا کنند. به هر حال اگر قرار باشد از بین کارایی و امنیت یکی فدای دیگری شود، تعادل بهینه در جامعه به وجود نخواهد آمد.

سوم، در مورد استفاده کامل از امتیازات یک تکنولوژی جدید مانند اینترنت، قوانین جدیدی مانند اینکه یک فرد چقدر می‌تواند از اطلاعات شخصی دیگران استفاده کند مطرح شود. همچنین در مواردی مانند پول داخلی، قوانین جدیدی در زمینه مالیات و حقوق مدنی می‌توان وضع کرد.

دلیل اینکه گفته می‌شود سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی در توسعه دارند این است که این سرمایه‌ها، فرصتهایی به وجود می‌آورند که تکنولوژیهای مدرن و جدید از طریق آنها در داخل جامعه سنتی نفوذ کنند. توسعه نیافتگی در واقع نتیجه اقتصادی هماهنگ نشدن عوامل تکنیکی و اجتماعی است. در حالی که توفیق اهداف توسعه‌ای نیازمند ترکیب و تعامل این دو عامل است.